

هند و ایران: چشم‌انداز و چالش‌ها در سازمان همکاری شانگهای

رها نا شرین کی‌وی *

آکادمی مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع ملی اسلامی، دهلی نو، هند.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله مروری موضوع: اقتصاد حوزه موضوعی: ایران و هند تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶	سازمان همکاری شانگهای (SCO) بستر مشترکی برای ایران و هند فراهم می‌آورد که در عین ایجاد فرصت‌های راهبردی، چالش‌هایی نیز در پی دارد؛ به‌ویژه آنکه این دو کشور در چارچوب ژئوپلیتیکی اوراسیا اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. هند این سازمان را ابزاری برای تقویت پیوندهای اقتصادی منطقه‌ای و ایجاد موازنه در برابر نفوذ چین می‌بیند، در حالی که ایران به دنبال بهره‌برداری از عضویت در آن برای کاهش فشار تحریم‌های غرب و تعمیق روابط با چین و روسیه است. در این مقاله، تعامل‌های ایران و هند در سه بُعد بررسی شده است: نخست، ارزش راهبردی سازمان برای هر یک؛ دوم، تأثیر روابط تاریخی دوجانبه در شکل‌گیری همکاری‌های فعلی؛ و سوم، آینده و چالش‌های پیش‌رو در بستر پویایی‌های منطقه‌ای با در نظر گرفتن نقش کشورهایی مانند ترکیه، مصر، ایالات متحده و اسرائیل. یافته‌ها نشان می‌دهد که گرچه دو کشور در حوزه‌هایی مانند اتصال منطقه‌ای و مقابله با تروریسم همکاری دارند، در زمینه هم‌راستایی‌های ژئوپلیتیکی دچار واگرایی شده‌اند؛ به‌ویژه آنکه هند تلاش می‌کند میان تعهدات خود در سازمان همکاری شانگهای و همکاری‌های آن با بلوک‌های غربی مانند گفتگوی چهارجانبه امنیتی (از جمله، QUAD) تعادل برقرار کند، حال آنکه ایران مواضعی آشکارا ضدغربی اتخاذ کرده است. این تفاوت‌ها، همراه با عواملی نظیر تحریم‌های آمریکا علیه ایران و روابط نظامی هند با اسرائیل، روند همکاری دوجانبه در چارچوب سازمان همکاری شانگهای را پیچیده‌تر می‌کند. همچنین، ورود کشورهایی چون ترکیه و مصر در جایگاه شرکای گفتگو باعث شده است نقش محوری ایران و ایجاد رقابت‌های اقتصادی جدید در درون سازمان کاهش یابد. در چنین شرایطی، هند ناگزیر است با تنوع‌بخشی به شرکای انرژی خود در سازمان همکاری شانگهای و تقویت مسیرهایی چون دالان (کریدور) شمال-جنوب، وابستگی به طرح‌هایی نظیر «کمربند و راه» را کاهش دهد؛ و ایران نیز باید ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان برای کاهش اثر تحریم‌ها، از اتکای بیش از حد به چین و روسیه پرهیز و استقلال اقتصادی خود را حفظ کند. در نهایت، در این پژوهش بر لزوم اصلاح‌های ساختاری در سازمان همکاری شانگهای برای مدیریت تنش‌های داخلی (به‌ویژه میان هند و پاکستان) تأکید و نتیجه‌گیری شده است که حفظ خودمختاری راهبردی برای هند و حاکمیت اقتصادی برای ایران، شرط لازم برای بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های این سازمان در فضای رقابت قدرت‌های بزرگ است.

واژگان کلیدی:

امنیت انرژی،
راهبرد ژئوپلیتیکی،
روابط هند و ایران،
سازمان همکاری شانگهای،
مبارزه با تروریسم.

ارجاع به این مقاله: شرین کی‌وی ر. (؟؟؟؟). «هند و ایران: چشم‌انداز و چالش‌ها در سازمان همکاری شانگهای». مطالعات کشورها. ۱(۹): ۳۳-۳۳. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.399341.1322>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

<https://orcid.org/0009-0008-6600-0587> r.sherin.official@gmail.com

۱. مقدمه

سازمان همکاری شانگهای (SCO)^۱ بستری حیاتی برای همکاری‌های منطقه‌ای تأسیس شد و فرصت‌هایی برای تعامل‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی میان کشورهای عضو فراهم می‌کند. برای هند و ایران که هر دو بازیگران اصلی در مناطق خود محسوب می‌شوند، سازمان همکاری شانگهای فرصتی راهبردی برای تقویت نفوذ و پرداختن به چالش‌های مشترک در نظم جهانی چندقطبی به‌شمار می‌آید. این سازمان، به‌لحاظ وسعت جغرافیایی و جمعیت، بزرگ‌ترین سازمان منطقه‌ای جهان محسوب می‌شود و به‌تدریج به نهادی مشروع برای تعامل‌های سیاسی و اقتصادی میان اعضای آن تبدیل شد؛ نهادی که از مداخله مستقیم غرب به‌دور مانده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای تازه‌استقلال‌یافته در مرکز آسیا در پی ایجاد نظم جدید در منطقه برآمدند. در سال ۱۹۹۶م، چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان گروهی را به‌نام «گروه پنج‌گانه شانگهای»^۲ تشکیل دادند. در سال ۲۰۰۱م، ازبکستان نیز به این گروه پیوست و تنها عضو سازمان همکاری شانگهای شد که با چین مرز مشترک ندارد. ترکمنستان با حفظ سیاست بی‌طرفی، تاکنون از پیوستن به این سازمان خودداری کرده است (The International Institute for Strategic Studies, 2018).

در این پژوهش، مشارکت هند و ایران در سازمان همکاری شانگهای بر پایه سه هدف کلیدی بررسی شده است: (۱) تحلیل اینکه عضویت در این سازمان چگونه منافع راهبردی این دو کشور را تأمین می‌کند؛ (۲) ارزیابی تأثیر روابط تاریخی بر همکاری‌های کنونی؛ و (۳) بررسی چشم‌اندازها و چالش‌ها در پرتو تحولات منطقه‌ای. در این تحقیق سه فرضیه آزمون شده است: نخست، هند اولویت را به تعامل‌های اقتصادی در سازمان همکاری شانگهای می‌دهد تا تعامل‌های سیاسی، درحالی‌که ایران به‌دنبال منافع راهبردی-امنیتی است؛ دوم، پیوندهای تاریخی موجب تسهیل طرح‌های اتصال منطقه‌ای می‌شود، حتی با وجود اختلاف‌های ژئوپلیتیکی؛ و سوم، تحریم‌های آمریکا بیش از آنکه مانعی برای بهره‌مندی هند از مزایای سازمان همکاری شانگهای باشد، ایران را محدود کرده است. این فرضیه‌ها مبنای تحلیل تطبیقی رویکردهای متفاوت دو کشور در قبال سازمان محسوب می‌شود.

1. The Shanghai Cooperation Organisation

2. Shanghai Five grouping

هدف اولیه این سازمان، افزایش همکاری میان کشورهای عضو و کاهش استقرارهای نظامی در مرزها بود. در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱م، پنج‌گانه شانگهای و ازبکستان، «توافقنامه بین‌المللی شانگهای در مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی» را امضا کردند. بدین ترتیب، سازمان همکاری شانگهای به‌طور رسمی بنیان نهاده شد. پس از آن، هند، مغولستان و پاکستان عضو ناظر پذیرفته شدند و جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۲۰۰۵م موقعیت ناظر را کسب کرد. برخی نظریه‌پردازان توازن قوا بر این باورند که سازمان همکاری شانگهای نهاد نظامی قدرتمندی برای نفوذ بر آمریکا و منافع آن در مرکز آسیاست و محدودیت‌هایی بر آمریکا اعمال کرده است (Beehner & Bhattacharji, 2008). سازمان با رد درخواست پیوستن ایالات متحده در جایگاه ناظر، تأثیر این محدودیت‌ها را تقویت کرد، چراکه این تصمیم توان واشنگتن را در اثرگذاری بر تصمیم‌سازی‌های سازمان محدود کرده است. سازمان همکاری شانگهای نهادی «غیرهنجاری» شناخته می‌شود، زیرا بر اصل عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها تأکید دارد؛ اصلی که برای اعضای بیشتر اقتدارگرا جذابیت ویژه‌ای دارد (White, 2005: 31). در منشور سازمان همکاری شانگهای که در ژوئن ۲۰۰۲م به تصویب رسید، بر مجموعه‌ای از اصول اساسی حقوق بین‌الملل تأکید شده است. این اصول عبارت است از برابری حاکمیتی، رد سلطه‌گری بین‌المللی، و مخالفت با اجبار. نکته مهم آن است که در این منشور آمده است سازمان همکاری شانگهای علیه هیچ کشور یا سازمان بین‌المللی دیگری فعالیت نمی‌کند^۱. این سازمان بستری کلیدی برای کشورهای عضو فراهم آورده است برای (۱) تقویت روابط؛ (۲) ارتقای همکاری در حوزه‌های متنوعی نظیر سیاست، اقتصاد، تجارت، علم، فناوری، فرهنگ، آموزش، انرژی، حمل‌ونقل، گردشگری و حفاظت محیط‌زیست؛ (۳) کمک به حفظ صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای؛ و (۴) مشارکت در شکل‌گیری نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی دموکراتیک و منصفانه.

اهمیت سازمان همکاری شانگهای با همکاری با نهادهایی نظیر بانک توسعه آسیایی و کمیسیون اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه بیشتر نمایان می‌شود. ازجمله موفقیت‌های اعضای سازمان می‌توان به تدوین

۱. ترجمه انگلیسی این منشور که در ۷ ژوئن ۲۰۰۲م در سنت پترزبورگ به امضا رسید در وبگاه زیر موجود است. این اصول در اصل ۲ گنجانده شده است:

<https://cis-legislation.com/document.fwx?rgn=3851>.

توافقنامه‌ای بین‌دولتی در زمینه افزایش حمل‌ونقل جاده‌ای بین‌المللی اشاره کرد که نقش سازمان در توسعه و همکاری منطقه‌ای را تقویت کرده است (Asia Regional Integration Center, 2024). عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در سازمان همکاری شانگهای، «شورای رؤسای کشورها» است که سالی یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهد و تصمیم‌های کلیدی سازمان اتخاذ می‌شود. نهاد مهم دیگر «شورای رؤسای دولت‌ها (نخست‌وزیران)» است که آن نیز سالانه تشکیل جلسه می‌دهد تا راهبردهای همکاری و حوزه‌های کلیدی بررسی، بودجه تصویب و تصمیم‌های مهم اقتصادی اتخاذ شود. سازمان همکاری شانگهای دو نهاد دائمی دارد: دبیرخانه واقع در پکن، و کمیته اجرایی ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم (RATS)^۱ در تاشکند. دبیرکل سازمان همکاری شانگهای و رئیس کمیته اجرایی ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم به مدت سه سال در شورای رؤسای کشورها انتخاب می‌شوند (The Shanghai Cooperation Organisation, 2017).

برقراری و حفظ اعتماد متقابل، برای امنیت منطقه‌ای حیاتی است و سازمان همکاری شانگهای طی بیش از دو دهه موفق شده است چنین اعتمادی را شکل دهد. «روح شانگهای»^۲ که اساس هنجاری این سازمان را تشکیل می‌دهد، بر اصولی همچون اعتماد، منفعت متقابل، برابری، مشورت، تنوع فرهنگی و رشد مشترک تأکید دارد. ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم در این سازمان در پی توافق کشورهای عضو در ۷ ژوئن ۲۰۰۲م برای ایجاد چارچوبی عملی در مقابله با تهدیدهای تروریستی، به‌ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، تأسیس شد. مقرر ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم در تاشکند است و دبیرخانه آن در پکن قرار دارد. این نهاد وظیفه دارد پایگاهی داده‌ای درباره سازمان‌ها و افراد تروریست گردآوری کند و این اطلاعات را میان اعضا به اشتراک بگذارد، تا زمینه همکاری مؤثرتر در مقابله با فعالیت‌های تروریستی فراهم شود. ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم از زمان آغاز فعالیت رسمی خود در سال ۲۰۰۴م، به مرکز اصلی هماهنگی اقدام‌های سازمان همکاری شانگهای در مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مذهبی تبدیل شده است. این نهاد رزمایش‌های مشترک برگزار می‌کند، اطلاعات ردوبدل می‌کند و راهبردهایی برای مبارزه با سازمان‌های تروریستی و افراطی، همچنین مقابله با قاچاق مواد مخدر در منطقه تدوین می‌کند. در سال ۲۰۲۳م،

1. Regional Anti-Terrorist Structure

2. Shanghai Spirit

ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم اینترنت را حوزه‌ای مستقل در فعالیت‌های خود به رسمیت شناخت تا امنیت اطلاعات را تضمین کند و پاسخگوی تهدیدهای جدید باشد. این نهاد با سازمان‌های بین‌المللی متعددی همکاری می‌کند، از جمله با سازمان ملل متحد، اینترپل، آژانس بین‌المللی کنترل مواد مخدر، پیمان امنیت جمعی و مرکز امنیت اینترنت؛ همچنین با کشورهای مختلف و مناطق دیگر برای مقابله مشترک با تهدیدهای امنیتی منطقه‌ای مشارکت دارد (Norov, 2024).

از زمان تأسیس سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱م، تمرکز اصلی آن بر رسیدگی به مسائل امنیتی منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی قومی و افراط‌گرایی مذهبی بوده است. با گذر زمان، این سازمان دامنه فعالیت‌های خود را به حوزه توسعه منطقه‌ای نیز گسترش داده است. سازمان همکاری شانگهای از سال ۲۰۰۵م در مجمع عمومی سازمان ملل متحد جایگاه ناظر را یافته است. عضویت در این سازمان فرصت‌هایی را برای مشارکت متنوع در همکاری‌ها فراهم کرده است، از جمله تلاش برای تقویت امنیت و ثبات منطقه‌ای گرفته تا همکاری در تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی، مخابرات، و کشاورزی. همچنین، تماس مستقیم میان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را تسهیل کرده است. سازمان همکاری شانگهای همچنین، در زمینه‌های حقوقی و گمرکی میان اعضا تعامل ایجاد کرده و چارچوبی جامع را برای همکاری چندجانبه میان کشورها فراهم آورده است.

۲. روابط ایران و هند: تاریخچه، همکاری و مشکلات

ایران و هند هر دو پیشینه‌ای تاریخی در ارتباط با سلطه بریتانیا دارند؛ هرچند نوع این سلطه متفاوت بوده است: ایران، که به‌طور رسمی دولتی مستقل به رسمیت شناخته می‌شد، و هند که مستعمره بریتانیا بود، هر یک با صورتی متفاوت از کنترل خارجی مواجه بودند. پس از پایان جنگ جهانی دوم، تحولات ایدئولوژیکی گسترده‌ای رخ داد و نظم نوین بین‌المللی شکل گرفت. در سال ۱۹۴۷م، دو کشور پاکستان و هند استقلال خود را از استعمار بریتانیا اعلام کردند و این امر موجب تغییر در توازن قدرت منطقه‌ای شد و ایران را وادار ساخت تا خود را با چشم‌انداز ژئوپلیتیکی جدید سازگار کند.

کریستین فر روابط ایران و هند را به سه دوره متمایز تقسیم می‌کند: دوره نخست هم‌زمان با جنگ سرد، دوره دوم از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا

حملات ۱۱ سپتامبر، و دوره سوم از سال ۲۰۰۱م به بعد (Fair, 2004: 6). روابط دیپلماتیک میان دولت شاهنشاهی ایران و هند در سال ۱۹۵۰م و هم‌زمان با آغاز فعالیت هند در جنبش عدم‌تعهد (NAM)^۱ برقرار شد. درحالی‌که هند در جایگاه کشوری غیرمتعهد، روابط نظامی قدرتمندی با شوروی برقرار کرده بود، ایران در این دوره روابط نزدیکی با ایالات متحده داشت. در این دوره، حمایت ایران از پاکستان با انتظارات هند و سیاست‌های منطقه‌ای آن در تضاد بود. هر چند هند در آغاز به تحولات رادیکال سیاسی در ایران نگاهی مثبت داشت، به دلیل لحن انقلابی تهران و حمایت آن از شورش در کشمیر، اختلاف‌هایی بروز کرد. با وجود عضویت ایران در جنبش عدم‌تعهد، پیچیدگی‌هایی در روابط پدید آمد. از جمله، موضع انتقادی ایران به اشغال افغانستان به دست شوروی در سال ۱۹۷۹م، در تضاد با موضع ملایم‌تر هند، چالش‌هایی به وجود آورد. پس از درگذشت آیت‌الله خمینی، تغییراتی در رویکرد ایدئولوژیک ایران پدید آمد که به رسمیت‌شناختن کشمیر را در قلمرو هند در پی داشت (Ashwarya, 2017). جنگ ایران و عراق نیز از عوامل بازدارنده در توسعه روابط ایران و هند بود و همراه با اشغال افغانستان به دست شوروی، موانع خارجی جدیدی را ایجاد کرد که مانع از رشد مناسبات سیاسی میان تهران و دهلی شد. در نتیجه، روابط اقتصادی دو کشور نیز در این دوره محدود باقی ماند و از عمق کافی برخوردار نشد (Hussain, 2012: 859).

در دهه ۱۹۸۰م، روابط دوجانبه ایران و هند تحت‌تأثیر جنگ ایران و عراق با چالش‌هایی روبه‌رو شد. با روی کار آمدن صدام حسین در عراق در سال ۱۹۷۹م، همکاری‌های نزدیک عراق با هند برقرار شد و قراردادهایی در حوزه کشاورزی، آبیاری و صنایع پتروشیمی میان دو کشور امضا شد. اگرچه هند تلاش کرد در این منازعه بی‌طرف بماند، دریافت نفت از عراق و همکاری‌های اقتصادی، دهلی‌نو را به بغداد نزدیک‌تر کرد. با این حال، تا اوایل دهه ۱۹۹۰م پیشرفت چشمگیری در روابط ایران و هند حاصل نشد.

جنگ ایران و عراق و پایان جنگ سرد، فرصت‌های جدیدی برای همکاری میان ایران و هند ایجاد کرد. هر دو کشور به اوضاع سیاسی افغانستان پس از جنگ، دیدگاه‌های مشابهی داشتند. در این دوره، ایران و هند از ائتلاف شمال حمایت کردند و با نیروهای طالبان مخالفت ورزیدند. ایران در سازمان‌هایی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، بارها قطعنامه‌های ضد‌هندی پیشنهادی پاکستان را و تو

1. Non-Aligned Movement

کرد؛ همچنین، به دلیل روابط دوستانه با هر دو کشور، پیشنهاد میانجی گری میان هند و پاکستان را نیز مطرح کرد (Przemyslaw, 2021: 133). عطف در همکاری امنیتی ایران و هند، امضای «اعلامیه تهران» در سال ۲۰۰۱م بود که یادداشت تفاهمی در همکاری های دفاعی شناخته شد و زمینه گفتگوهای امنیتی آینده را فراهم ساخت. در سال ۲۰۰۲م، سفر خاتمی، رئیس جمهور ایران، به هند، به صدور «اعلامیه دهلی نو» منجر شد که در آن بر فرصت های همکاری در حوزه دفاعی، شامل آموزش و تبادل هیئت ها، تأکید شد (Ministry of External Affairs of India, 2003). این اعلامیه پایه ای برای گفتگوهای گسترده تر در زمینه های دیپلماتیکی و اقتصادی در غرب و مرکز آسیا و شبه قاره هند فراهم ساخت. همچنین، هند در طرح «گفتگوی تمدن ها» که خاتمی مطرح کرده بود، مشارکت فعال داشت و این مشارکت به تقویت درک متقابل دو ملت کمک کرد. این دوره آغازگر روابطی فراگیرتر و همکاری محورتر میان ایران و هند بود (Wastnidge, 2016: 83).

روابط ایران و هند رابطه ای پیچیده و چندوجهی است که در بستر تاریخی عمیق فرهنگی شکل گرفته است. این روابط از اولویت های ژئوپلیتیکی و اقتصادی مانند تجارت انرژی، توسعه زیرساخت ها و همکاری های امنیتی تأثیر می پذیرد. با این حال، چالش هایی چون تعارض در شراکت های بین المللی، تحریم ها، مذاکرات بی ثبات و موانع اداری نیز وجود دارد. در آغاز قرن ۲۱م، هند و ایران منافع متفاوتی داشتند؛ هند از نیروهای ناتو در افغانستان حمایت می کرد، در حالی که ایران با حضور آنها به شدت مخالف بود و آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود می دانست، زیرا نگران بود که در کنار حضور نیروهای آمریکایی در عراق و افغانستان، هدف بعدی باشد. تنش هایی نیز بر سر مداخله ها در امور داخلی هند به وجود آمد؛ از جمله سخنرانی آیت الله خامنه ای در حمایت از «مبارزات آزادی خواهانه مردم کشمیر» که در سال ۲۰۱۰م به بحرانی دیپلماتیکی انجامید (Osiewicz, 2021: 135). روابط ایران و هند همچنین، به واسطه تلاش های هند برای توسعه روابط با دشمنان ایران - از جمله ایالات متحده، اسرائیل و برخی کشورهای عربی خلیج فارس - پیچیده تر شد. این وضعیت با تحریم ها و اقدام های دیپلماتیکی علیه تهران دشوارتر نیز شده است. هند در پرونده هسته ای ایران در کنار واشنگتن رأی داد، اما این اقدام از منافع ملی هند در جلوگیری از اشاعه تسلیحات هسته ای ناشی می شد. با صعود هند به جایگاه قدرتی بزرگ، حفظ

توازن در روابط با بازیگران مختلف برای آن دشوارتر خواهد شد. از سوی دیگر، روابط دوستانه ایران با چین و پاکستان، تلاش‌های هند را برای موازنه‌سازی در منطقه با پیچیدگی بیشتری مواجه می‌سازد. منافع اقتصادی هند در ایران نیز تحت‌تأثیر این چالش‌ها قرار دارد، به‌ویژه با در نظر گرفتن اینکه ایران یکی از صادرکنندگان مهم انرژی به هند و دروازه‌ای بالقوه برای دسترسی به بازارهای مرکز آسیا و افغانستان محصور در خشکی است. در دوران تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران، هند ناچار شد از بخشی از منافع خود صرف‌نظر کند. مهم‌ترین مانع، دشواری در انجام مبادله‌های مالی انرژی بود که روند تجاری را مختل کرد. کاهش تجارت میان دو کشور تا زمان اجرای «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) ادامه یافت و تنها پس از لغو تحریم‌ها این روابط تا حدی بهبود یافت. روابط ایران و هند مبتنی بر توازنی حساس میان منافع مشترک و اولویت‌های متعارض است؛ توازنی که تحت‌تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی، تحریم‌ها و پویایی‌های منطقه‌ای قرار دارد. غلبه بر این چالش‌ها برای تحقق ظرفیت‌های کامل این شراکت چندلایه ضروری است.

۳. ایران و هند در سازمان همکاری شانگهای: تحلیل تطبیقی

۱.۳. هند و سازمان همکاری شانگهای

در اجلاس آستانه در سال ۲۰۰۵م، هند، ایران و پاکستان به جایگاه اعضای ناظر به سازمان همکاری شانگهای پیوستند. در نتیجه، در ۹ ژوئن ۲۰۱۷م، نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، اعلام کرد که هند و پاکستان به عضویت دائم سازمان درآمده‌اند و با تبریک به این دو کشور، عضویتشان را خوشامد گفت. تحلیلگران بر این باور بودند که عضویت کامل هند در این نهاد اوراسیایی، جایگاه بین‌المللی آن را ارتقا خواهد داد و دسترسی بیشتری به بازارهای منطقه‌ای فراهم خواهد آورد که به‌نوبه خود بر پویایی‌های سیاسی و راهبردی هند تأثیر خواهد گذاشت (Hashmi, 2017). عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای برای هند فرصتی منحصربه‌فرد برای تعامل فعال با منطقه اوراسیا فراهم آورد (The Hindu, 2021). مشارکت در سازوکارهای موجود سازمان، به‌ویژه ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم، به هند اجازه داد تا اطلاعات و داده‌های مهمی را درباره تحرک‌های تروریستی و قاچاق مواد مخدر با سایر اعضا به اشتراک گذارد. همچنین، نیروهای مسلح هند از طریق شرکت در مانورهای سالانه نظامی و ضدتروریسم سازمان،

درک عمیق تری از فنون و راهبردی‌های عملیاتی ارتش‌های دیگر به دست آوردند. علاوه بر آن، عضویت کامل هند موجب شد همکاری‌های نزدیک با کشورهای مرکز آسیا تقویت شود. هند، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان، برای تأمین حدود نیمی از نیازهای گازی خود به واردات وابسته است. منطقه مرکز آسیا ذخایر غنی منابع طبیعی و معدنی دارد و کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، میدان‌های هیدروکربنی بزرگی در اختیار دارند. این منطقه حدود ۴ درصد از ذخایر گاز طبیعی و حدود ۳ درصد از ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است. هند این منطقه را منبعی راهبردی برای تأمین نفت، گاز و سایر منابع طبیعی مورد نیاز خود می‌داند. همچنین، سازمان همکاری شانگهای بستری برای پیگیری طرح‌هایی مانند خط لوله گاز ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند (TAPI)^۱ فراهم آورد. کشورهای قزاقستان و تاجیکستان روابط دوجانبه قوی با هند دارند و از تصمیم روسیه برای حمایت از عضویت هند در سازمان همکاری شانگهای پشتیبانی کردند. روابط نزدیک تر هند با روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان، به افزایش مناسبات دیپلماتیکی و تجارت دوجانبه کمک کرده است.

هند پس از عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای توانست سیاست‌هایی مؤثر در برابر ابتکارات جاده‌طلبانه چین، از جمله «دالان اقتصادی چین-پاکستان» (CPEC)^۲ و طرح «یک کمربند، یک راه»، تدوین کند. در این زمینه، توسعه دالان حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)^۳ برای هند اهمیت فزاینده‌ای یافت؛ مسیری که از طریق دریا، راه‌آهن و جاده، هند را به روسیه، ایران، اروپا و مرکز آسیا متصل می‌کند. عضویت در سازمان همکاری شانگهای نه تنها موضع هند را در حمایت از نظم چندجانبه جهانی تقویت کرد (Kumar, 2016)، بلکه فرصت‌هایی به مراتب بیشتر از محدودیت برای آن فراهم آورد. همکاری در زمینه‌های امنیتی، انرژی، اقتصادی و اتصال منطقه‌ای از مهم‌ترین مزایای این عضویت برای هند بود.

در حوزه امنیتی، سازمان همکاری شانگهای به چالش‌های مشترک اعضا-مانند تروریسم، قاچاق مواد مخدر و تجارت غیرقانونی سلاح‌های سبک-پرداخت. سازوکار ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم نقشی کلیدی در تدوین رویکردی

1. Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India

2. China Pakistan Economic Corridor

3. International North-South Transportation Corridor

چندبُعدی برای مقابله با این تهدیدها ایفا کرد و همکاری در مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی، افراط‌گرایی و جرایم فراملی را برجسته ساخت (Upadhyay, 2016). پیوستن هند به باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای، این کشور را در موقعیتی قرار داد تا از منابع انرژی یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان جهان بهره‌مند شود. حدود ۲۵ درصد از ذخایر نفتی جهان، بیش از ۵۰ درصد ذخایر گاز، ۳۵ درصد زغال‌سنگ و نیمی از ذخایر شناخته‌شده اورانیم جهان در سرزمین‌های تحت پوشش کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای قرار دارد. این همکاری با هدف تضمین امنیت انرژی بلندمدت برای واردکنندگان و تأمین تعهدات مالی برای صادرکنندگان، با توجه به خطوط لوله کلیدی منطقه، طراحی شده است (InfoSCO, 2015).

۲.۳. ایران و سازمان همکاری شانگهای

پس از پیروزی جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹م، ایران سیاست خارجی خود را بر پایه عدم‌تعهد به بلوک‌های قدرت شرق و غرب بنا نهاد. این رویکرد باعث شد ایران در پیوستن به پیمان‌های امنیتی منطقه‌ای یا امضای معاهدات چندجانبه امنیتی، تمایلی از خود نشان ندهد. باین‌حال، پس از گذشت سه دهه، به دو دلیل اصلی، تغییر رویکردی در سیاست خارجی ایران پدید آمد. نخست، تلاش‌های نافرجام دولت خاتمی (۱۳۷۶ - ۱۳۸۴ش / ۱۹۹۷ - ۲۰۰۵م) برای تنش‌زدایی با آمریکا و سخنرانی معروف «محور شرارت» جورج بوش، زمینه‌ساز تقویت جریان‌های نئومحافظه‌کار در ایران شد. دوم، مخالفت مسکو و پکن با سیاست‌های واشنگتن، فرصتی جایگزین برای تهران فراهم کرد تا نیازهای امنیتی خود را از طریق سازمان همکاری شانگهای تأمین کند و تحریم‌های آمریکا، به‌ویژه در رابطه با برنامه هسته‌ای خود را دور بزند. افزایش پیوندهای اقتصادی و سیاسی میان ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، به‌ویژه چین و روسیه، موجب شد منافع متقابل شکل گیرد. ایران امیدوار است که در صورت تهدید امنیت و ثبات داخلی خود، از حمایت شرکای خود در سازمان برخوردار شود و با اتخاذ موضعی فعال، از بی‌طرفی احتمالی آنان جلوگیری کند. همچنین، عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای توازن جهانی انرژی را دگرگون می‌کند (Brummer, 2007: 193). با احتساب ایران، منطقه تحت پوشش سازمان همکاری شانگهای حدود نیمی از ذخایر گاز طبیعی جهان را در بر خواهد گرفت و سهم آن

از نفت خام نیز به ۱۸ درصد خواهد رسید. چنین تغییری نفوذ سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را در بازار جهانی انرژی - شامل تعیین قیمت‌ها، اهداف تولید و حفظ ثبات بازار - کاهش می‌دهد.

چین و روسیه، علاوه بر همکاری نظامی، روابط اقتصادی گسترده‌ای با ایران، به‌ویژه در حوزه انرژی، دارند. شرکت‌های چینی مانند «سینوپک»^۱ و «ژوهای ژنرونک»^۲، قراردادهای ۲۵ ساله‌ای برای توسعه میادین نفت و گاز ایران امضا کرده‌اند. چرخش ایران به شرق نشانگر راهبردی فعال برای کسب عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای است؛ عضویتی که برای ایران امکان چانه‌زنی قوی‌تر در برابر ایالات متحده و اتحادیه اروپا فراهم می‌آورد (Vakil, 2006: 5).

۱.۲.۳. هند و ایران در سازمان همکاری شانگهای: منافع همگرا و واگرا

هند و ایران در درون سازمان همکاری شانگهای اهداف مشترکی دارند، به‌ویژه در حوزه‌های اتصال منطقه‌ای و امنیت انرژی؛ اما راهبردهای ژئوپلیتیکی گسترده‌تر آن‌ها به‌طور قابل‌توجهی با یکدیگر متفاوت است، به‌گونه‌ای که هم‌زمان نشان‌دهنده همگرایی و واگرایی در منافع آن‌هاست.

الف) اتصال منطقه‌ای و امنیت انرژی: همگرایی

هر دو کشور هند و ایران اهمیت راهبردی آسیای مرکزی را نقطه اتصال حیاتی برای تأمین منابع انرژی و ارتقای پیوندهای ترابری به رسمیت می‌شناسند. برای هند، دسترسی به منطقه غنی از انرژی در مرکز آسیا از منظر تنوع‌بخشی به منابع انرژی و کاهش وابستگی به بازارهای بی‌ثبات غرب آسیا، بسیار حیاتی است.

هند در موقعیت جغرافیایی ایران، به‌ویژه در بندر چابهار، مزیتی راهبردی شناسایی کرده است. علی‌رغم تحریم‌های ایالات متحده در سال ۲۰۱۸م، هند توانست روابط خوبی را با هر دو کشور ایران و آمریکا حفظ کند. درحالی‌که هند ناچار شد واردات نفت از ایران را متوقف کند، پیشرفت‌ها در بندر چابهار ادامه یافت (Bhaumik, 2019). بندر چابهار ظرفیت بسیار بالایی برای منافع ژئوپلیتیکی هند دارد. این بندر به هند اجازه می‌دهد روابط قوی‌تری با مرکز آسیا برقرار کند و مسیری جایگزین برای پاکستان فراهم آورد. همچنین، چابهار ظرفیت آن را دارد که توان هند در پایش فعالیت‌های پاکستان را تقویت کند و شاید حتی در عملیات‌های پنهانی

1. Sinopec

2. Zhuhai Zhenrong Corporation

یاری‌رسان باشد. در صورت بروز منازعه‌هایی که تنگه هرمز را مسدود کند، چابهار دسترسی مستقیم هند را به انرژی ایران فراهم می‌سازد (Mukhtar, 2016). به لحاظ اقتصادی، چابهار با کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل برای تجارت نفتی با ایران، به هند منفعت می‌رساند و باعث می‌شود پیوندهای تجاری بلندمدت افزایش یابد. با سرمایه‌گذاری در چابهار، هند قصد دارد به بازیگری کلیدی در اقتصاد مرکز آسیا تبدیل شود. این کشور در زیرساخت‌هایی نظیر جاده زرنج-دلارام و برنامه‌ریزی برای اتصال ریلی نیز سرمایه‌گذاری کرده است. توافقنامه سه‌جانبه بین هند، ایران و افغانستان نیز حمل‌ونقل بین‌المللی و حمل کالا را تسهیل و به توسعه و ثبات منطقه‌ای کمک می‌کند (Behuria, 2015).

با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد؛ از جمله نگرانی ایران از وابستگی بیش از حد به هند، همچنین ناهم‌سویی احتمالی در منافع بلندمدت. ایران بر این نکته تأکید دارد که بندر چابهار علیه قدرت‌های دیگر طراحی نشده است و از سرمایه‌گذاری چین و پاکستان در آن نیز استقبال می‌شود (Taneja, 2016). با وجود این چالش‌ها، همکاری‌های اقتصادی همچنان بخش مهمی از روابط ایران و هند را تشکیل می‌دهد و برای هند دسترسی به مرکز آسیا و افغانستان را فراهم می‌آورد. از دیدگاه هند، بندر چابهار دارایی ارزشمندی است که نه تنها مسیر پاکستان را دور می‌زند، بلکه باعث می‌شود روابط منطقه‌ای و بهره‌مندی اقتصادی از طریق تجارت و اتصال نیز تقویت شود. توافقنامه چابهار اهمیت این بندر را برای سه کشور هند، ایران و افغانستان تأیید می‌کند.

همان‌گونه که نیکلای کوژانوف بیان می‌کند، محاسبات دهلی‌نو ساده بود: «تا زمانی که پاکستان یکی از مخالفان اصلی هند باقی بماند، مسیر امن ایرانی برای دسترسی به افغانستان و مرکز آسیا جایگزینی نخواهد داشت» (Kozhanov, 2018: 124). شرکت‌های هندی می‌توانند محصولات خود را از طریق مسیر ایران و بدون عبور از پاکستان به این کشورها صادر کنند. دالان حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)، که هر دو کشور ایران و هند در آن مشارکت دارند، نمونه‌ای بارز از علاقه مشترک آن‌ها به توسعه مسیرهای تجاری جایگزین است که از گلوگاه‌های ژئوپلیتیکی عبور نمی‌کنند و هزینه‌های حمل‌ونقل را کاهش می‌دهند. این دالان نه تنها اتصال هند به مرکز آسیا را تسهیل می‌کند، بلکه نقش ایران را در جایگاه کلیدی ترانزیت در پیوند اوراسیا به غرب آسیا تقویت می‌کند (Blank, 2003: 149).

برای ایران، مرکز آسیا تنها منبع انرژی و مشارکت اقتصادی نیست، بلکه فرصتی است برای تثبیت جایگاه آن به عنوان کشور ترانزیتی محور در شبکه های تجاری اوراسیایی. موقعیت جغرافیایی ایران به آن امکان می دهد پلی میان دریای خزر، خلیج فارس و جنوب آسیا ایجاد کند که این خود اهرم نفوذ مهمی در تجارت منطقه ای محسوب می شود. از این رو، هر دو کشور سازمان همکاری شانگهای را بستری برای تقویت چنین طرح های ارتباطی می دانند، با هدف رشد اقتصادی منطقه ای و تضمین مسیرهای امن انرژی مطابق با اهداف راهبردی بلندمدت خود.

ب) همکاری امنیتی و مبارزه با تروریسم: همسویی با منافع واگرا

در مسائل امنیتی نیز هند و ایران برخی زمینه های مشترک دارند، به ویژه در مبارزه با تروریسم، افراط گرایی و قاچاق مواد مخدر که تهدیدهای جدی برای هر دو کشور به شمار می آیند، به ویژه در مقابله با گروه های افراطی مستقر در پاکستان. تهران از عدم کنترل مؤثر اسلام آباد بر گروه های ضدایرانی فعال در خاک پاکستان ابراز نارضایتی کرده است (Jahanbegloo, 2016). اتهام هایی نیز مبنی بر حمایت اطلاعاتی پاکستان از جدایی طلبان بلوچ در ایران وجود دارد که گاه به حملات مرزی متقابل از سوی ایران منجر شده است (Vatanka, 2014). برای مقابله با این تهدیدهای مشترک امنیتی، تهران و دهلی گروه های کاری ویژه ای را برای همکاری ضدتروریستی تشکیل داده اند.

سازمان همکاری شانگهای برای اعضا، از جمله ایران و هند، بستری برای تقویت همکاری های امنیتی منطقه ای فراهم می کند. ایران و هند می توانند در چارچوب سازمان همکاری شانگهای - کمیته اجرایی ساختار منطقه ای ضدتروریسم (SCO-RATS)، با یکدیگر در مبارزه با تروریسم همکاری های نزدیک تری داشته باشند. همچنین، می توانند تبادل اطلاعات، هماهنگی های راهبردی و اقدام های مشترک علیه گروه های افراطی انجام دهند. این همکاری متقابل در چارچوب سازمان همکاری شانگهای نه تنها، تلاش های دوجانبه موجود را تقویت می کند، بلکه به ایران و هند فرصت می دهد تا از تخصص و منابع جمعی سایر کشورهای عضو بهره مند شوند. این هم افزایی به اخذ رویکردی جامع تر و مؤثرتر در مبارزه با تروریسم در منطقه می انجامد. خلاصه اینکه ایران و هند می توانند از چارچوب SCO-RATS برای افزایش و رشد بیشتر همکاری های خود در مبارزه با تروریسم نهایت استفاده را ببرند. هر دو می توانند با بهره گیری از

قدرت جمعی سازمان همکاری شانگهای، محیط منطقه‌ای امن‌تر و باثبات‌تری فراهم آورند.

باین‌حال، پویایی ژئوپلیتیکی در درون سازمان همکاری شانگهای چالش‌هایی را برای دو کشور پدید آورده است، به‌ویژه در زمینه مشارکت در همکاری‌های امنیتی. اولویت‌های امنیتی هند اغلب با منافع پاکستان، یکی از اعضای اصلی سازمان همکاری شانگهای، در تضاد قرار دارد، به‌ویژه درباره تروریسم فرامرزی. این رقابت باعث شده است هند نتواند به‌طور کامل در ابتکارهای امنیتی سازمان همکاری شانگهای ادغام شود، زیرا اسلام‌آباد اغلب در مسائل امنیتی با چین هم‌موضع است. در مقابل، ایران که چالش‌های امنیتی خاص خود را دارد، روابط هموارتری با اعضای سازمان همکاری شانگهای و پیوندهای قوی‌تری با روسیه و چین دارد که این امکان را فراهم می‌کند تا بهتر از ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای در حوزه امنیت استفاده کند.

پ) امنیت انرژی: منافع مشترک با رویکردهای متفاوت

امنیت انرژی نیز یکی از زمینه‌های همگرایی و واگرایی میان هند و ایران است. هر دو کشور، سازمان همکاری شانگهای را بستری برای تضمین مشارکت‌های انرژی بلندمدت و پیش‌برد اهداف انرژی خود می‌دانند. برای هند، امنیت انرژی اهمیت بنیادینی دارد و عضویت در سازمان همکاری شانگهای فرصتی برای تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی و ایجاد روابط با کشورهای غنی از انرژی چون قزاقستان و ازبکستان فراهم می‌کند. در سیاست انرژی هند بر کاهش وابستگی به نفت در غرب آسیا تأکید می‌شود و مشارکت با روسیه و کشورهای مرکز آسیا از جمله دلایل حضور فعال هند در سازمان همکاری شانگهای است.

از دهه ۱۹۹۰م به بعد، با گشایش اقتصاد هند، روابط اقتصادی این کشور با ایران، به‌ویژه در حوزه انرژی، شتاب گرفته است. انرژی و اتصال به مرکز آسیا هسته اصلی منافع اقتصادی هند در ایران را تشکیل می‌دهد (Roy, 2016). ایران برای رفع فقر انرژی در هند حیاتی است و با هدف توسعه، یکی از منابع مهم تأمین نفت این کشور محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۷م، ایران ۱۱/۲ درصد از واردات نفت خام هند را تأمین می‌کرد و پس از عربستان و عراق، سومین منبع اصلی به‌شمار می‌رفت (Workman, 2018). رابطه انرژی‌محور میان هند و ایران، پایه و اساس تعامل‌های آن‌ها را تشکیل می‌دهد و هر دو کشور منافع یکدیگر را

در این زمینه در نظر می گیرند. اگرچه هند در تلاش برای متنوع سازی منابع خود است، همچنان به ایران و سایر تأمین کنندگان اصلی نفت متکی است. ایران پیش از اعمال تحریم ها، دومین تأمین کننده بزرگ نفت خام هند بود. پس از رفع تحریم ها در سال ۲۰۱۶م و توافق هسته ای (برجام)، روابط اقتصادی دوباره فعال شد. توافقی بین تهران و دهلی، روند پرداخت های معوق نفتی هند به ایران را تسهیل کرد و وجوه در خور توجهی آزاد شد. در سال ۲۰۱۶م، واردات نفت خام هند از ایران به ۶/۶۸ میلیارد دلار رسید که ۱۱ درصد از کل واردات نفت خام را تشکیل می دهد (Busvine & Verma, 2016). عضویت هند در سازمان همکاری شانگهای فرصتی راهبردی برای ارتقای همکاری های انرژی با ایران فراهم می آورد. این سازمان بستری برای کشورهای عضو فراهم می آورد تا بتوانند روابط اقتصادی، از جمله مشارکت های انرژی، را افزایش دهند. با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، هند می تواند در چارچوب این سازمان به همکاری های خود در زمینه امنیت انرژی عمق ببخشد. این سازمان زمینه ساز سرمایه گذاری های بلندمدت و تأمین پایدار انرژی بین دو کشور عمل خواهد کرد. عضویت در این سازمان، راهایی را برای تأمین انرژی پایدارتر و امن تر باز می کند و ضامنی است برای تأمین نیازهای رو به رشد انرژی هند از طریق تلاش های مشترک با شرکای قابل اعتمادی مانند ایران. در نهایت، هند از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، به ویژه در رفع نیازهای انرژی خود، سود قابل توجهی خواهد برد. این مشارکت در چارچوب سازمان همکاری شانگهای امنیت انرژی هند را افزایش می دهد و امکان توافق های پایدارتر و بلندمدت تر و سرمایه گذاری های راهبردی با ایران را فراهم و به رشد کلی اقتصادی هر دو کشور کمک می کند.

یکی دیگر از تحولات مهم، بازنگری احتمالی در طرح خط لوله گاز ایران-پاکستان-هند (IPI)^۱ است. کمیته دائمی پارلمان در امور گاز طبیعی و نفت به دولت توصیه کرده است که در خط لوله گاز IPI که مدت ها به تعویق افتاده است، بازنگری کند. این پیشنهاد در پی تغییر اخیر ایران از عضو ناظر به عضو دائم در اجلاس آتی مطرح می شود. خط لوله IPI را پیش از این هند، به دلیل تحریم های اعمال شده علیه ایران به دنبال برنامه هسته ای احتمالی آن، کنار گذاشته بود. هدف از ابتکار خط لوله IPI انتقال گاز طبیعی از ایران به پاکستان و هند بود (Lok Sabha, 2025).

1. Iran-Pakistan-India

برای ایران، امنیت انرژی از منظری دیگر تعریف می‌شود. هدف اصلی ایران در سازمان همکاری شانگهای، به‌عنوان صادرکننده بزرگ انرژی، افزایش صادرات انرژی و دورزدن تحریم‌های آمریکاست. ایران می‌کوشد با تقویت روابط انرژی‌محور با چین، روسیه و سایر اعضای سازمان همکاری شانگهای، اقتصاد خود را تثبیت و جایگاه خود را به‌عنوان تأمین‌کننده کلیدی نفت و گاز حفظ کند. ایران همچنین، از عضویت در سازمان همکاری شانگهای برای مقابله با نفوذ غرب در بازارهای جهانی انرژی استفاده می‌کند، از جمله با تقویت تجارت انرژی با ارزهای غیردلاری و مشارکت در طرح‌هایی چون ابتکار کمربند و راه (BRI).

جایی که واگرایی میان دو کشور آشکار می‌شود، در موضع آن‌ها در قبال BRI است. هند به‌شدت با این طرح مخالف است، به‌ویژه به‌دلیل عبور دالان اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) از مناطق مورد مناقشه کشمیر. این امر باعث شده است هند در سازمان همکاری شانگهای، در مشارکت در ابتکارهای تحت رهبری چین محتاط باشد. در مقابل، ایران از BRI استقبال کرده است و آن را فرصتی برای رشد زیرساخت‌ها، افزایش صادرات انرژی و ارتقای اتصال با چین می‌داند.

ت) خودمختاری راهبردی در برابر وابستگی به شراکت

تفاوت بنیادین دیگر میان هند و ایران در سازمان همکاری شانگهای، درک آن‌ها از مفهوم «خودمختاری راهبردی» است. خودمختاری راهبردی به‌معنای تولنایی کشور در تصمیم‌گیری مستقل، به‌ویژه در سیاست خارجی و اجرای آن بدون فشارهای بیرونی است (Think Tank European Parliament, 2022). هند تلاش می‌کند با مشارکت در چندین بلوک ژئوپلیتیکی، بدون وابستگی افراطی به قدرتی خاص، استقلال راهبردی خود را حفظ کند. این امر در مشارکت دوگانه هند در سازمان همکاری شانگهای و اتحاد چهارجانبه (QUAD)^۱ مشهود است. در این مشارکت هند به‌دنبال اثبات خود در جایگاه قدرتی مستقل است تا قادر شود اتحادهای شرقی و غربی را رهبری کند. هند به عضویت اتحاد چهارجانبه به رهبری ایالات متحده درآمد. این اتحاد، نخست مشارکتی بشردوستانه در پاسخ به سونامی اقیانوس هند در سال ۲۰۰۴م بود. این مشارکت در سال ۲۰۱۷م برای مقابله با نفوذ فزاینده چین، به‌ویژه پس از بن‌بست نظامی در دوکلم، احیا شد. در

1. Quadrilateral Security Dialogue

همان زمان، هند به ترتیب به رهبری چین و روسیه به SCO و RIC پیوست. این اقدام، ظرفیت هند را برای تعامل با قدرت‌های جهانی مختلف نشان داد و انعطاف‌پذیری راهبردی آن را افزایش داد. هند استقلال خود را حفظ کرده است، همان‌طور که در تصمیم هند برای ادامه واردات نفت روسیه در طول درگیری اوکراین، علی‌رغم انتقادهای ایالات متحده و اتحادیه اروپا، با وجود عضویت در اتحاد چهارجانبه و راهبردی هند و اقیانوسیه، دیده می‌شود. اس. جایشانکار، وزیر امور خارجه هند، از تصمیم‌های مستقل کشورش دفاع و به وابستگی اروپا به انرژی روسیه اشاره و آن‌ها را به اعمال استانداردهای دوگانه متهم کرد. درعین حال، هند کاملاً با روسیه همسو نشد، زیرا مودی، نخست وزیر هند، در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۲م خواستار صلح شد. این دیپلماسی چندوجهی، جزء اساسی راهبرد جامع سیاست خارجی دولت مودی است که اولویت آن ایجاد در هند، همکاری دریایی هند و اقیانوسیه و قانون شرق است. هند قصد دارد با شرکت در سازمان همکاری شانگهای و QUAD، موضعی متعادل و انعطاف‌پذیر را در نظم جهانی در حال تحول حفظ کند و استقلال راهبردی خود را افزایش دهد (Farwa, 2024: 4-6).

از سوی دیگر، ایران به دلیل انزوای اقتصادی و دیپلماتیکی ناشی از تحریم‌ها، بیشتر بر شرکای خود در سازمان همکاری شانگهای، از جمله بر چین و روسیه، متکی است. مشارکت ایران در سازمان همکاری شانگهای بیش از آنکه ناشی از خودمختاری باشد، حاصل ضرورتی برای کاهش انزوا و تقویت موقعیت اقتصادی در بازار جهانی انرژی است. تهران در سال‌های گذشته، با تقویت روایت «نگاه به شرق»، پیوسته روابط خود را با روسیه و چین افزایش داده است. تحولات اخیر- مانند توافقنامه همکاری بیست‌وپنج ساله با چین و نقش چین در میانجیگری برای عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی و روابط نزدیک‌تر با روسیه پس از حمله به اوکراین- نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی در روابط خارجی ایران است. هم چین و هم روسیه در سازمان همکاری شانگهای بازیگران کلیدی هستند و ملاحظات پیشین خود را درباره ایران کنار گذاشته و روابط جامع‌تری برقرار کرده‌اند. تغییر موضع تاجیکستان در پذیرش عضویت دائم ایران و ناتوانی تحریم‌های آمریکا در جلوگیری از آن نیز نشانگر افزایش وزن ایران در سازمان همکاری شانگهای است (Uygur, 2025).

ث) روابط تجاری هند و ایران و فرصت‌های آینده

از منظر تاریخی، هند همواره در میان پنج شریک تجاری بزرگ ایران بوده است (Embassy of India, 2025). صادرات اصلی هند به ایران عبارت است از برنج، چای، شکر، دارو، الیاف مصنوعی، ماشین‌آلات برقی و زیورآلات مصنوعی. در مقابل، واردات کلیدی هند از ایران بیشتر این‌هاست: خشکبار، مواد شیمیایی آلی/غیرآلی و محصولات شیشه‌ای (ibid). نفت خام واردات بسیار مهم تاریخی برای هند بوده است (Hafeez, 2019: 24)، هرچند در سال‌های اخیر، به دلیل فشارهای ژئوپلیتیکی، تغییراتی در این روند ایجاد شده است و عراق و عربستان سعودی به تأمین‌کنندگان بزرگ‌تری تبدیل شده‌اند (ibid).

روابط بین هند و ایران به‌طور مستمر تحت تأثیر سوءظن‌های ایالات متحده درخصوص برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌های اعمال‌شده قرار گرفته است (ibid: 22). پس از پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹م، ایالات متحده شرکت‌های خود را از هرگونه فعالیت تجاری با ایران منع کرد. بعدتر در سال ۱۹۹۶م «قانون تحریم‌های ایران» (ISA)^۱ را تصویب کرد که شرکت‌های بین‌المللی را از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران بازمی‌داشت (ibid: 42). این تحریم‌ها تأثیر منفی عمیقی بر اقتصاد ایران گذاشت و باعث شد درآمد سرانه به‌طور متوسط ۳۶۰۰ دلار از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹م کاهش یابد؛ در نتیجه، شکاف بزرگی میان ایران و کشورهای با شرایط حکمرانی مشابه ایجاد کرد (Farzanegan, 2025). در ابتدا هند تلاش کرد واردات نفت از ایران را ادامه دهد؛ حتی به نفتکش‌ها بیمه دولتی می‌داد آن‌هم در شرایطی که شرکت‌های اروپایی از بیمه‌کردن خودداری می‌کردند. بااین‌حال، فشار ایالات متحده موجب شد واردات نفت هند از ایران کاهش چشمگیری بیابد. واردات نفت هند از ایران از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶م به‌شدت کاهش یافت و از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴م به پایین‌ترین حد رسید (Hafeez, 2019: 26). ایالات متحده در دسامبر ۲۰۱۰م هند را تحت فشار قرار داد تا سازوکار تهاتر ارزی اتحادیه تسویه آسیایی (ACU)^۲ را متوقف کند. این اقدام باعث شد پرداخت‌های قابل‌توجه به ایران مسدود شود. بانک‌های جایگزین در آلمان و ترکیه نیز از پردازش این پرداخت‌ها خودداری کردند و کشورهایمانند هند و چین مجبور شدند به تجارت پایاپای (تهاتری) متوسل شوند، که برای پرداخت‌های بزرگ نفتی کافی نبود (ibid: 29).

1. Iran Sanctions Act
2. Asian Clearing Union

علاقه هند به طرح خط لوله گاز ایران- پاکستان- هند که برای تأمین نیازهای انرژی آن طراحی شده بود، تحت فشار ایالات متحده، به ویژه در جریان مذاکرات توافق هسته‌ای غیرنظامی با آمریکا، به شدت آسیب دید (ibid: 28). به همین دلیل، هند بعدتر طرح خط لوله ترکمنستان- افغانستان- پاکستان- هند (TAPI)^۱ را دنبال کرد که از حمایت آمریکا برخوردار بود (ibid: 31).

هند، که در پی تبدیل شدن به قدرت اقتصادی جهانی و به دنبال حمایت ایالات متحده برای ایفای نقش در امور بین‌المللی (مانند عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل و همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی) است، ناچار شده است میان ایران غنی از انرژی و قدرت غالب ایالات متحده «بر لبه تیغ حرکت کند» (ibid: 36). هند در مقطعی تحت فشار آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران رأی داده است، با وجود آنکه روابط دوجانبه عموماً دوستانه بوده است (ibid: 25). خروج ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸م و بازاعمال تحریم‌ها، خواست هند را برای واردات نفت ایران پیچیده‌تر کرد و این کشور را وادار ساخت علی‌رغم معافیت‌های اولیه، واردات را کاهش دهد (ibid: 33). ایالات متحده سپس، در آوریل ۲۰۱۹م اعلام کرد که هیچ معافیت جدیدی نخواهد داد و از کشورها خواست تا واردات نفت از ایران را تا ۲ مه ۲۰۱۹م به صفر برسانند (ibid: 35).

نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، تلاش کرده است در چارچوب سیاست «نگاه به غرب» روابط با ایران را احیا کند (ibid: 31). سفر مودی به ایران در مه ۲۰۱۶م (که نخستین سفر مقام نخست‌وزیری هند در ۱۵ سال گذشته بود)، به امضای ۱۲ توافقنامه دوجانبه انجامید که توافقاتی مربوط به بندر چابهار را نیز شامل می‌شد (ibid: 32). هند همچنین، پیش از این سفر بیش از ۷۰۰ میلیون دلار از بدهی‌های معوق به ایران را پرداخت کرد تا حسن‌نیت نشان دهد (ibid: 31). با وجود این تلاش‌ها، روابط همچنان با موانعی روبه‌روست، به ویژه به دلیل روابط رو به گسترش هند با ایالات متحده و اسرائیل (ibid: 32). به طور مثال، سفر مودی به اسرائیل در ژوئیه ۲۰۱۷م (نخستین سفر مقام نخست‌وزیری هند به اسرائیل) از سوی تهران چندان مثبت ارزیابی نشد و آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران، پس از آن موضوع جامو و کشمیر را مطرح کرد (ibid: 33).

در نتیجه، هرچند سازمان همکاری شانگهای بستری بالقوه برای گفتگو و تقویت روابط تجاری و انرژی میان هند و ایران فراهم می‌کند، آینده این روابط

1. Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India

همچنان پیچیده باقی خواهد ماند و به شدت تحت تأثیر پویایی‌های ژئوپلیتیکی بیرونی، به‌ویژه تحریم‌های ایالات متحده و رقابت‌های منطقه‌ای گسترده‌تر، قرار دارد (Boland, 2011: 36). الزام راهبردی هند برای توازن میان نیازهای انرژی خود و روابط آن با ایالات متحده، همچنین تنش‌های داخلی با دیگر اعضای سازمان همکاری شانگهای مانند چین و پاکستان، همچنان محدوده خواهد بود و سرعت تعامل اقتصادی آن با ایران در چارچوب سازمان همکاری شانگهای را شکل خواهد داد (Awan, 2023).

۲.۲.۳. ترکیه و مصر در سازمان همکاری شانگهای: اقدام‌های تعادلی و پیامدهای آن برای هند و ایران

تعمیق همکاری و احتمال عضویت کامل ترکیه و مصر در سازمان همکاری شانگهای، بر نقش‌ها و موقعیت‌های راهبردی آینده ایران و هند در این سازمان تأثیرات چندلایه‌ای خواهد گذاشت. ترکیه در حال حاضر وضعیت «شریک گفتگو» را در سازمان همکاری شانگهای داراست؛ وضعیتی که در سال ۲۰۱۲ به دست آورد و روند تصویب آن در مه ۲۰۱۷ به پایان رسید (Republic of Türkiye Ministry of Foreign Affairs, 2022). این وضعیت به ترکیه امکان همکاری محدود در حوزه‌های خاص و مشارکت در نشست‌ها را می‌دهد، هرچند بدون حق دخالت در تصمیم‌گیری یا امضای توافقنامه‌ها باشد (ibid). ترکیه این مشارکت را تلاشی برای ارتقای سیاست خارجی خود از سطح منطقه‌ای به سطح جهانی می‌داند. همچنین، آن را سازگاری با نظم ژئوپلیتیکی جدیدی تلقی می‌کند که بر رقابت قدرت‌های بزرگ استوار است (Duran, 2022).

مصر به‌طور رسمی در ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۲ شریک گفتگوی سازمان همکاری شانگهای شد و یادداشت تفاهمی را در تاشکند امضا کرد (State Information Service, 2023). وزارت امور خارجه مصر این اقدام را گامی مهم در جهت تقویت روابط با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در حوزه‌های مختلف از جمله تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی، حمل‌ونقل، گردشگری، و همچنین پشتیبانی از امنیت و ثبات منطقه‌ای توصیف کرد (ibid).

الف) تأثیر بر آینده ایران در سازمان همکاری شانگهای

با احتمال عضویت کامل ترکیه و مصر، پویاشناسی ایران در سازمان همکاری شانگهای با تغییر اساسی همراه خواهد شد. ایران که اکنون عضو کامل از منطقه

غرب آسیا/ شمال آفریقا شناخته می‌شود، نخست بازیگر مهم منطقه‌ای در چارچوب سازمان همکاری شانگهای مطرح شد (Khan et al., 2023: 35). با این حال، ورود کشورهای مهم دیگر این منطقه نظیر ترکیه و مصر، به‌طور طبیعی جایگاه مرکزی و منحصربه‌فرد ایران را در این سازمان کمرنگ خواهد کرد (Gill & Freeman, 2024).

ایران به‌طور سنتی، سازمان همکاری شانگهای را بستری برای تأمین منافع خاص خود در نظر گرفته است؛ از جمله تضمین امنیت برنامه هسته‌ای، کسب حمایت در برابر حملات هوایی، اعمال فشار بر روسیه برای دریافت سلاح‌های پیشرفته، و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌دلیل تحریم‌های غرب (Khan et al., 2023: 35). عضویت کامل ایران سبب خواهد شد سازمان همکاری شانگهای «گروهی کاملاً ضد غربی» تلقی شود و نگرانی‌هایی درباره تمایل چین و روسیه به گسترش اشاعه هسته‌ای شکل گیرد (ibid). در این میان، حضور کشوری عضو ناتو مانند ترکیه یا کشورهای با پیوندهای قوی با غرب مانند مصر (Duran, 2022)، ممکن است این برداشت را تضعیف کند و با افزودن تنوع ژئوپلیتیکی، این دیدگاه تعدیل شود. این تنوع، کار ایران را برای استفاده از سازمان همکاری شانگهای در بستری صرفاً ضد غربی دشوارتر می‌سازد و اهداف راهبردی خاص ایران در سازمان تضعیف می‌شود (Khan et al., 2023: 35).

ایران عضویت در سازمان همکاری شانگهای را بیشتر برای بهره‌برداری اقتصادی می‌خواهد، به‌ویژه برای جذب سرمایه در شرایط تحریم‌های غرب (ibid). سازمان همکاری شانگهای همچنین، قصد دارد همکاری اقتصادی و توسعه منطقه‌ای را تقویت کند. در حالی که سازمان همکاری شانگهای نیز بر توسعه اقتصادی و همکاری منطقه‌ای تمرکز دارد، ورود اعضای جدیدی چون ترکیه و مصر، هرچند وزن اقتصادی سازمان را افزایش می‌دهد، رقابت بر سر طرح‌ها و نفوذ در دستور کار اقتصادی سازمان نیز تشدید خواهد شد.

ب) تأثیر بر آینده هند در سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای تاکنون فرصت منحصربه‌فردی را در اختیار هند قرار داده است تا با آسیای مرکزی تعامل کند؛ منطقه‌ای که هند در قالب سازمان‌های منطقه‌ای دیگر امکان ارتباط مستقیم با آن را ندارد (Boland, 2011: 22, 49). با این حال، عضویت کامل و بالقوه ترکیه و مصر معادلات راهبردی هند را پیچیده‌تر خواهد کرد. عضویت دیرپای ترکیه در ناتو، پیچیدگی خاصی را وارد معادله می‌کند؛

چراکه ناتو، روسیه را «مهم‌ترین و مستقیم‌ترین تهدید» تلقی می‌کند و چین را «چالش راهبردی» (Turkish Minute, 2022). مشارکت عمیق‌تر یا عضویت کامل ترکیه در سازمان همکاری شانگهای که گاه «وزنه متقابل ناتو» یا «سازمان ضدغربی» شناخته می‌شود (Boland, 2011: 7)، «ضربه‌ای به اعتبار ناتو» تلقی می‌شود. این وضعیت، تنش ذاتی ناشی از عضویت هم‌زمان ترکیه در هر دو بلوک را برجسته می‌کند و چشم‌انداز ژئوپلیتیکی کلی درون سازمان همکاری شانگهای را پیچیده‌تر می‌سازد (Turkish Minute, 2022). این افزایش تنوع گرایش‌ها، مانور تعادلی هند را دشوارتر خواهد کرد؛ چراکه هند تلاش دارد هم روابط خود را با قدرت‌های غربی حفظ کند و هم با اعضای سازمان همکاری شانگهای همکاری داشته باشد (Norling & Swanström, 2007: 437).

با اینکه هند عضو کامل سازمان همکاری شانگهای است، به‌طور مشخص از امضای «راهبرد توسعه اقتصادی ۲۰۳۰» خودداری کرد؛ همچنین، «طرح کمربند و راه» را به دلیل نگرانی از تبدیل شدن آن به تله بدهی، نپذیرفت (Awan, 2023). سازمان همکاری شانگهای هدف خود را گسترش همکاری اقتصادی تعریف کرده است (State Information Service, 2023). ورود بازیگران اقتصادی مهمی مانند ترکیه و مصر، که هر یک منافع اقتصادی خاص خود را دارند، رقابت بر سر طرح‌ها یا نفوذ در دستورکار اقتصادی سازمان همکاری شانگهای را افزایش می‌دهد. این موضوع احتمالاً تعامل گزینشی هند را با ابتکارات اقتصادی سازمان دشوارتر می‌کند و توجه به طرح‌های مستقیم همسو با اهداف هند را کاهش خواهد داد. هند خود را رقیب چین در نظم نوظهور جهانی می‌داند و در پذیرش هرگونه راهبردی که با رهبری چین همراه باشد، تردید دارد (Awan, 2023)؛ رقابتی که با حضور بازیگران اقتصادی جدید تشدیدپذیر است.

۳.۲.۳. دست‌نایندای غرب: تأثیر ایالات متحده و اسرائیل بر همکاری هند و ایران در چارچوب سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای در تعامل با ایالات متحده همواره با روابطی پیچیده مواجه بوده است و اخیراً نیز موضعی قاطع در قبال حملات به یکی از اعضای خود، یعنی ایران، اتخاذ کرده است؛ موضعی که پیامدهای قابل توجهی برای کشورهایی چون هند و ایران در این سازمان به‌همراه دارد. به‌لحاظ تاریخی، واشنگتن رویکردی محتاطانه و ناپایدار به سازمان همکاری شانگهای در پیش گرفته است (Boland, 2011: 5, 26). دولت جورج بوش در

حدود سال ۲۰۰۵م وارد دوره‌ای از «افول روابط» با این سازمان شد، به‌ویژه پس از آنکه سازمان همکاری شانگهای خواستار تعیین جدول زمانی برای خروج نیروهای آمریکایی از منطقه شد (ibid: 28). این دوره با اخراج نیروهای آمریکایی از پایگاه هوایی قرشی-خان‌آباد (K2) در ازبکستان همراه بود؛ رویدادی که بسیاری آن را مرتبط با درخواست سازمان همکاری شانگهای برای خروج، همچنین نارضایتی ناشکند از انتقادهای آمریکا به سرکوب اعتراض‌های داخلی تلقی می‌کردند. با اینکه در سال ۲۰۰۴م ایالات متحده پیشنهاد داده بود تا به‌عنوان ناظر در سازمان همکاری شانگهای حضور یابد و در حوزه‌هایی مانند مبارزه با تروریسم همکاری کند، به‌نظر می‌رسد حادثه K2 اعتماد دولت بوش را به سازمان خدشه‌دار کرد (ibid: 27, 28). تا سال ۲۰۰۷م، مقام‌های آمریکایی به‌صراحت اعلام کردند که ایالات متحده نه قصد عضویت دارد و نه به‌دنبال دستیابی به وضعیت ناظر در سازمان همکاری شانگهای است (ibid: 28).

در مقابل، دولت اواما سیاستی بازتر و مبتنی بر تعامل با شرکای منطقه‌ای اتخاذ کرد. نمونه‌ای از این رویکرد، اعزام «پاتریک مون»، معاون وقت وزیر امور خارجه در امور جنوب و مرکز آسیا، به کنفرانسی درباره افغانستان بود که در مارس ۲۰۰۹م در مسکو و تحت حمایت سازمان همکاری شانگهای برگزار شد. در این رویداد نخستین‌باری بود که یک مقام رسمی آمریکایی در برنامه رسمی سازمان همکاری شانگهای شرکت می‌کرد (ibid: 5).

دولت ترامپ رویکردی ایدئولوژیکی و متمایز اتخاذ کرد که بر ملی‌گرایی و مشارکت‌گزینشی در امور جهانی تأکید داشت. هدف اصلی این سیاست، حداکثرسازی نفوذ اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی ایالات متحده در حوزه‌هایی مشخص بود (Eurasian Research Institute, 2025). این رویکرد از تعهدات چندجانبه فاصله گرفت و به‌سمت راهبردی واقع‌گرایانه و مبتنی بر معامله پیش رفت (ibid). در این راستا، دولت ترامپ چین را رقیب ژئوپلیتیکی اصلی خود تلقی و تلاش کرد اتحادیهایی مانند گفتگوی چهارجانبه امنیتی را تقویت کند، درحالی‌که فشارهای اقتصادی و نظامی علیه پکن را نیز تشدید کرد (ibid). در خصوص بحران روسیه و اوکراین نیز، دولت ترامپ حل‌وفصل دیپلماتیکی را ترجیح داد تا از تعهدات مالی بیشتر آمریکا بکاهد و تمرکز خود را بر اولویت‌های راهبردی دیگر بگذارد. این سیاست با آغاز مذاکرات مستقیم با پوتین ادامه پیدا کرد (ibid). این تغییرات سیاستی را می‌توان گامی راهبردی برای تمرکز کامل دولت بر

اولویت‌های جدید تلقی کرد که تأثیرات عمده‌ای بر موازنه قدرت در آسیای مرکزی به‌جا خواهد گذاشت (ibid).

مزایای بالقوه برای ایالات متحده در تعامل با سازمان همکاری شانگهای شامل افزایش آگاهی نسبت به فعالیت‌های منطقه‌ای چین، تکمیل سیاست «بازتنظیم روابط» با روسیه، و درک بهتر بی‌ثباتی در کشورهای چون افغانستان و پاکستان است (Boland, 2011: 33). تمرکز اصلی سازمان همکاری شانگهای بر مبارزه با «سه شر» (تروریسم، جدایی‌طلبی، و افراط‌گرایی) نیز با اهداف ضدتروریستی آمریکا هم‌راست است. با این حال، خطرهایی نیز برای ایالات متحده در این تعامل وجود دارد؛ از جمله احتمال تأیید ناخواسته حکومت‌های سرکوبگر، طردشدن از سوی اعضای سازمان همکاری شانگهای یا به‌حاشیه رانده شدن در ساختار سازمان (ibid: 5). دستیابی کامل واشنگتن به عضویت در سازمان همکاری شانگهای به‌طور کلی نه ترجیح داده می‌شود و نه دست‌یافتنی تلقی می‌شود، چراکه بی‌اعتمادی‌های قدیمی میان طرفین همچنان پابرجاست (ibid: 40, 5). در واقع، سازمان همکاری شانگهای تا حدی با هدف محدودسازی نفوذ ایالات متحده در منطقه تأسیس شد و چین و روسیه اغلب در تصمیم‌های کلیدی، مانند درخواست خروج نظامیان آمریکایی در سال ۲۰۰۵م، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده‌اند (Khan et al., 2023: 31). با این حال، برخی تحلیلگران بر این باورند که ایالات متحده می‌تواند از شکاف‌ها و رقابت‌های درونی میان اعضای سازمان همکاری شانگهای، به‌ویژه رقابت چین و روسیه، بهره‌برداری کند تا موقعیت خود را در معادلات منطقه‌ای تقویت نماید (ibid: 34).

۴.۲.۳. رقابت اسرائیل و ایران و واکنش سازمان همکاری شانگهای

منابع نشان می‌دهند که در ژوئن ۲۰۲۵م، رقابت بین اسرائیل و ایران به‌شدت افزایش یافته است. اسرائیل حمله غیرقانونی علیه خاک ایران را آغاز کرد که طی آن تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز، اصفهان و فردو هدف قرار گرفت. همچنین، چندین مقام نظامی ارشد و دانشمند هسته‌ای ایرانی به شهادت رسیدند. ایران نیز در پاسخ، عملیات «وعده صادق ۳» را اجرا کرد و بیش از صد موشک بالستیک به سمت اسرائیل شلیک شد (Padmanabhan, 2025).

سازمان همکاری شانگهای به‌شدت این حملات نظامی اسرائیل را به خاک جمهوری اسلامی ایران محکوم کرد (Dawn, 2025). این سازمان این اقدام‌ها را

«نقض فاحش حقوق بین الملل» و منشور سازمان ملل متحد و «تعدی» به حاکمیت ایران دانست که به امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی آسیب زده و خطرهای جدی برای صلح و ثبات جهانی ایجاد کرده است (Padmanabhan, 2025). سازمان همکاری شانگهای اعلام کرد چنین «اقدام‌هایی غیرقانونی علیه اعضای سازمان همکاری شانگهای قابل قبول نیست» و تعهد خود را برای تقویت صلح و امنیت بین‌المللی مجدداً تأیید کرد (ibid). این سازمان به‌طور قاطع از حل و فصل وضعیت برنامه هسته‌ای ایران تنها از راه‌های مسالمت‌آمیز، سیاسی و دیپلماتیکی حمایت می‌کند (ibid).

الف) تأثیر بر هند در چارچوب سازمان همکاری شانگهای

دربارۀ درگیری اسرائیل و ایران، هند از بیانیه سازمان همکاری شانگهای فاصله گرفت. در این بیانیه حملات هوایی اسرائیل محکوم شده بود (Padmanabhan, 2025). وزارت امور خارجه هند توضیح داد که «موضع خود هند» به‌طور جداگانه در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵م اعلام شده و بر لزوم گفتگو و دیپلماسی برای کاهش تنش‌ها تأکید کرده است (ibid). هند به‌صراحت اعلام کرد که «در بحث‌ها دربارۀ بیانیه سازمان همکاری شانگهای علیه اسرائیل شرکت نداشته است» (ibid). این مسئله اقدام تعادل‌ساز هند و نقش فرضی آن را به‌عنوان رقیب چین در نظم جهانی در حال ظهور برجسته می‌کند که به تردید در حمایت از راهبردهایی منجر می‌شود که در آن چین نقش دارد، هرچند که عضو سازمان همکاری شانگهای است. به‌دلیل چنین اقدام‌هایی است که نگرانی‌ها دربارۀ اعتبار و قابل‌اعتماد بودن هند در میان دیگر اعضای سازمان همکاری شانگهای و بریکس وجود دارد (Awan, 2023).

هند عضو کامل سازمان همکاری شانگهای است و از سال ۲۰۱۷م به عضویت آن درآمد. اما، نقش آن پیچیدگی‌هایی داشته است، به‌ویژه در دوران ریاست ۲۰۲۳ این سازمان که به‌طور مجازی و با «حضور کم‌رنگی» برگزار و سؤال‌هایی دربارۀ تعهد هند مطرح شد. هند به‌وضوح از امضای «راهبرد توسعه اقتصادی ۲۰۳۰» خودداری کرد و از حمایت از طرح «کمربند و راه» نیز سر باز زد، چراکه نگرانی احتمال افتادن در تله بدهی بود (ibid). خصومت تاریخی بین هند و چین همکاری را پیچیده کرد و احتیاط هند دربارۀ سازمان همکاری شانگهای تحت تأثیر روابط آن با آمریکا قرار دارد. همچنین، منازعه طولانی‌مدت هند و پاکستان، که هر دو عضو سازمان همکاری شانگهای هستند، مانعی جدی

برای افزایش گفتگوهای منطقه‌ای در سازمان مطرح است (Norling & Swanström, 2007: 436-7).

ب) تأثیر بر ایران در چارچوب سازمان همکاری شانگهای

ایران در سال ۲۰۲۳م، نهمین عضو کامل سازمان همکاری شانگهای پذیرفته شد (Dawn, 2025). پیش از این، وضعیت ناظر را داشت. این عضویت پس از سال‌ها درخواست ایران برای عضویت کامل حاصل شد (Khan et al., 2023: 35). تحریم‌های بین‌المللی اعمال‌شده بر ایران بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹م تأثیری عمیق و گسترده بر اقتصاد کشور داشت. این تحریم‌ها درآمد سرانه ایرانیان را به‌طور متوسط سالانه ۳۶۰۰ دلار کاهش داد و سهم طبقه متوسط را به‌طور متوسط ۱۱ درصد در سال کم کرد که باعث شد بسیاری به گروه‌های کم‌درآمد منتقل شوند یا مهاجرت کنند. شاخص‌های دیگری مانند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، حجم تجارت خارجی و ارزش افزوده صنعتی نیز تحت تأثیر منفی قرار گرفت (فرزانگان، ۱۴۰۴: ۱۷۱-۲).

از دیدگاه ایران، لغو تحریم‌ها از طریق مذاکرات بین‌المللی برای بهبود اقتصادی حیاتی است، چراکه امکان بازگشت سرمایه‌گذاری به بخش‌های کلیدی مانند انرژی و صنعت را فراهم، تعامل‌های علمی و فناوری را تسهیل، گردشگری را تقویت، و از فرار مغزها جلوگیری می‌کند (همان: ۱۷۱). بازگشت ایران به اقتصاد جهانی مستلزم رعایت استانداردهای بین‌المللی مانند شفافیت مالی و حقوق مالکیت است که تحریم‌ها انگیزه‌ها برای آن را کاهش داده‌اند (همان: ۱۷۳).

ایران عضویت در سازمان همکاری شانگهای را منبعی بالقوه برای محافظت در برابر حملات نظامی دشمنانی مانند آمریکا یا اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای خود می‌داند. همچنین باور دارد که این عضویت کمک می‌کند به روسیه فشار آورد تا سلاح‌های پیشرفته‌تری بدهد. از نظر اقتصادی، ایران چین و روسیه را منابع مهم سرمایه‌گذاری می‌داند، به‌ویژه با توجه به خروج اکثر شرکت‌های غربی به‌دلیل تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا (Khan et al., 2023: 35).

سازمان همکاری شانگهای همچنین، ابزاری برای افزایش نفوذ ایران در مرکز آسیا دیده می‌شود؛ منطقه‌ای که ایران آن را از نظر فرهنگی به خود نزدیک می‌داند. اعضای سازمان همکاری شانگهای - از جمله چین، روسیه و ایران - به‌طور فعال به دنبال یکپارچه‌سازی اقتصادی برای «شکستن تحریم‌های اعمال‌شده آمریکا» و جذب سرمایه‌گذاری‌های آسیایی هستند (State Information Service, 2023).

۴. نتیجه گیری: چالش ها و توصیه های سیاستی

نقش هند و ایران در سازمان همکاری شانگهای تأثیرهای قابل توجهی بر خود سازمان و سیاست جهانی دارد. برای سازمان همکاری شانگهای، تلاش هند برای تعادل روابط با قدرت های اوراسیا و غرب گاه باعث بروز تنش می شود، به ویژه در تصمیم گیری های اجماعی. در مقابل، حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای موضع قوی تری علیه آمریکا به گروه می بخشد، به ویژه در تعاملات با آمریکا و کشورهای اروپایی.

در مقیاس کلان، سازمان همکاری شانگهای سکوی اصلی رقابت قدرت بین شرق و غرب است. هند از عضویت خود برای تأثیرگذاری بر آسیای مرکزی استفاده می کند، در عین حال استقلال خود را از قدرت های بزرگ حفظ می کند. ایران نیز از نقش خود در سازمان همکاری شانگهای برای مقابله با نفوذ غرب و افزایش نفوذ در مسائل انرژی و امنیت منطقه ای بهره می برد. نحوه مدیریت روابط هند و ایران با چین، روسیه و غرب در شکل دهی آینده سازمان همکاری شانگهای و تعادل قدرت در اوراسیا نقش تعیین کننده ای خواهد داشت.

مشارکت هند در سازمان همکاری شانگهای فرصت های راهبردی مهمی دارد، اما با موانع متعددی روبه روست. بزرگ ترین مانع، تسلط چین بر سازمان است. تنش های مرزی هند و چین و حمایت چین از طرح اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) توان هند را برای تأثیرگذاری بر تصمیم های کلیدی محدود کرده است. علاوه بر این، پیوندهای عمیق هند با غرب، به ویژه آمریکا، گاه با موضع ضد غربی اعضای برجسته سازمان همکاری شانگهای مانند روسیه و چین در تضاد قرار می گیرد.

هند همچنین در تأمین منافع انرژی خود از طریق سازمان همکاری شانگهای با چالش هایی روبه روست، از جمله تأخیر در زیرساخت ها مانند کندی پیشرفت دالان حمل و نقل شمال-جنوب (INSTC). همچنین، رابطه خصمانه تاریخی هند با پاکستان، که در ابتکارهای امنیتی سازمان همکاری شانگهای نقش برجسته ای دارد، مشارکت هند را پیچیده می کند. در مجموع، چالش اصلی هند در سازمان همکاری شانگهای تعادل بین جاه طلبی های ژئوپلیتیکی با سلطه چین و پاکستان و در عین حال حفظ روابط تعاملی با غرب است.

حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای بیشتر تحت تأثیر نیاز به مقابله با تحریم ها و حاشیه نشینی دیپلماتیکی غربی شکل گرفته است. یکی از چالش های

اصلی ایران، مدت طولانی وضعیت ناظر بودن در سازمان بود که مانع مشارکت کامل در فرایندهای تصمیم‌گیری شد تا اینکه در سال‌های اخیر به عضویت کامل ارتقا یافت. این وضعیت طولانی نشان‌دهنده رویکرد محتاطانه روسیه و چین بود، به‌ویژه در موضوع برنامه هسته‌ای جنجالی ایران و رژیم تحریم‌های جهانی.

چالش بزرگ دیگر برای ایران وابستگی به چین و روسیه برای دورزدن تحریم‌هاست که تهران را در موقعیت حساسی قرار داده است. اگرچه این همکاری‌ها برای اقتصاد ایران به‌ویژه در بخش انرژی حیاتی است، اغلب یک‌طرفه و بیشتر بر اساس محاسبات راهبردی پکن و مسکو است. این امر اهرم ایران را در تعیین دستورکارهای جمعی سازمان همکاری شانگهای، به‌ویژه در زمینه امنیت و مقابله با تروریسم محدود می‌کند. علاوه بر این، هرچند ایران مایل است با احساس ضدغربی سازمان همکاری شانگهای هماهنگ شود، درباره پیوستن کامل به طرح «کمربند و راه» چین که با منافع راهبردی ایران تداخل دارد، محتاط است. چالش ایران حفظ استقلال خود در کنار روابط اقتصادی و امنیتی با اعضای سازمان همکاری شانگهای است.

رابطه هند و ایران نیز به‌ویژه در چارچوب سازمان همکاری شانگهای اهمیت بسیاری دارد. برای هند، ایران دروازه مهمی به سوی مرکز آسیاست و فرصت‌هایی برای همکاری در زمینه مقابله با تروریسم و مقابله با نفوذ رو به رشد چین و تأثیر پاکستان فراهم می‌کند. توسعه بندر چابهار حرکتی راهبردی برای هند است که امکان دسترسی به افغانستان و مرکز آسیا را بدون عبور از پاکستان فراهم می‌کند. موضع هند در مقام دوست دیرینه ایران و کشورهای خلیج فارس، همچنین شریک راهبردی آمریکا و اسرائیل، آن را به بازیگری کلیدی در بحث‌های امنیتی غرب آسیا و مرتبط با ایران تبدیل کرده است.

رویکرد هند به ایران ترکیبی از منافع راهبردی و اقتصادی است. ایران به هند کمک می‌کند تا نفوذ خود را فراتر از منطقه مستقیم خود گسترش دهد و با جاه‌طلبی‌های جهانی هند همسو شود. طرح‌هایی مانند بندر چابهار بخشی از راهبرد هند برای کاهش نفوذ پاکستان در افغانستان، مبارزه با افراط‌گرایی و مقابله با چالش‌های راهبردی چین است. درعین حال، رقابت هند و چین برای نفوذ در ایران ادامه دارد.

اگرچه ایران امیدوار است از عضویت در سازمان همکاری شانگهای در شرایط تحریم‌های غربی بهره اقتصادی ببرد، واقعیت پیچیده‌تر است. سازمان

همکاری شانگهای بیشتر بر تهدیدهای امنیتی متمرکز است و نه ترویج همکاری تجاری و اقتصادی. با وجود اهمیت فزاینده سازمان، به دلیل حضور قدرت‌های بزرگ مانند چین و هند، انتظار پیشرفت اقتصادی فوری برای ایران واقع‌بینانه نیست، به‌ویژه با نبود منطقه تجارت آزاد میان اعضا.

علاوه بر این، کشورهای غربی بیشتر مخالف عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای هستند. گرایش ایران به هم‌پیمانی نظامی و سیاسی قوی‌تر با بلوک شرق نگرانی‌هایی برای اسرائیل، اروپا و آمریکا ایجاد کرده است. فعالیت‌های نظامی ایران در مناطقی مانند اوکراین، سوریه و عراق و حوادثی مانند توقیف نفتکش‌ها، نشان‌دهنده هم‌راستایی نزدیک‌تر با منافع چین و روسیه است. این عوامل، حتی با وجود پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای، دستیابی ایران به توافقات احتمالی را دشوار می‌سازد.

با ادامه نقش‌آفرینی هند و ایران در سازمان همکاری شانگهای، همکاری آن‌ها تأثیر قابل‌توجهی بر پویایی منطقه‌ای خواهد داشت، ارتباطات را بهبود خواهد بخشید و اهداف راهبردی و اقتصادی هر دو کشور را پیش خواهد برد. رابطه در حال تحول آن‌ها اهمیت همکاری در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به چشم‌انداز ژئوپلیتیکی منطقه را برجسته می‌کند.

۱.۴. توصیه‌های سیاستی

یافته‌های تحقیق برای سیاست‌های هند، ایران و سازمان همکاری شانگهای پیامدهای مهمی دارد. هند باید تعادل ظریف بین مشارکت در سازمان همکاری شانگهای و ائتلاف‌های غربی را حفظ کند. درحالی‌که از سازمان همکاری شانگهای برای اتصال اوراسیا بهره می‌برد، باید به توسعه بسترهای جایگزینی مانند گفتگوی چهارجانبه امنیتی ادامه دهد تا از وابستگی بیش از حد به هر بلوک واحد جلوگیری شود. پیشنهاد می‌شود هند از سازوکارهای سازمان همکاری شانگهای برای تأمین مشارکت‌های انرژی با کشورهای مرکز آسیا استفاده کند و دالان INSTC را مسیر مقاوم در برابر تحریم‌ها توسعه دهد. این مستلزم تسریع سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و توافقاتی چندجانبه انرژی است. هند برای نهادینه‌تر کردن تلاش‌های ضدتروریسم از طریق سازمان همکاری شانگهای - کمیته اجرایی ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم فشار آورد و سازوکارهای دوجانبه با ایران و کشورهای مرکز آسیا برای دورزدن موانع مربوط به پاکستان ایجاد کرد. ایران باید از بسترهای سازمان همکاری شانگهای برای توسعه سازوکارهای

مالی جایگزین (مانند تجارت با ارز محلی) و جذب سرمایه‌گذاری‌های غیرغربی، به‌ویژه در زیرساخت‌های انرژی استفاده کند. با این حال، باید از جایگزینی وابستگی به غرب با وابستگی بیش از حد به چین اجتناب کند. توصیه می‌شود ایران ائتلاف‌های قدرت متوسط در سازمان همکاری شانگهای (به‌طور مثال، با هند و قزاقستان) را پرورش دهد تا توازن محور روسیه-چین را ایجاد کند و در بازارهای انرژی اهرم چانه‌زنی به‌دست آورد. ایران می‌تواند با تسریع طرح‌های اتصال مانند یکپارچه‌سازی چابهار-دالان حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب و حفظ مشارکت چندجانبه برای جلوگیری از سلطه هر قدرت واحد، خود را در جایگاه محور حیاتی ترانزیت اوراسیا معرفی کند.

سازمان همکاری شانگهای برای توسعه نهادی، نیازمند سازوکارهایی برای مدیریت تعارض‌ها بین اعضا (به‌ویژه تنش‌های هند-پاکستان) از طریق همکاری بخشی و ساخت اجماع در حوزه‌های غیرسیاسی مانند ضدتروریسم و انرژی است. با افزایش تعامل ترکیه و مصر، سازمان همکاری شانگهای به چارچوب‌هایی نیاز دارد تا گرایش‌های راهبردی متنوعی را بدون کاهش عملکردهای امنیتی اصلی یا تبدیل شدن به بلوک ضدغربی، در خود جای دهد. پیشنهاد می‌شود همکاری‌های عملی در حوزه‌هایی مانند شبکه‌های انرژی، دالان‌های حمل‌ونقل و ضدتروریسم در اولویت قرار گیرند تا جایگاه سازمان برای همه اعضا حفظ شود. هدف از این توصیه‌های سیاستی توسعه همکاری و رقابت در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و درعین حال پیشبرد منافع ملی اعضا در نظم جهانی در حال تحول است.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مکاتبه فرمایید.

منابع

فرزانگان مر. (۱۴۰۴). «ضرورت مذاکرات بین‌المللی برای مهار پیامدهای تحریم و دستیابی به شکوفایی اقتصادی». *مطالعات کشورها*. ۳(۴): ۶۵۳-۶۵۷.
<https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.394015.1278>

- Ashwarya S. (2017). *India-Iran Relations: Progress, Problems and Prospects*. Abingdon: Routledge.
- Asia Regional Integration Center. (2024). "Cross-border Infrastructure Shanghai Cooperation organisation". 2 February. <https://aric.adb.org/initiative/shanghai-cooperation-organisation>.
- Awan ZA. (2023). "Indian role in SCO/BRICS and the region". *Modern Diplomacy*. July 14. <https://moderndiplomacy.eu/2023/07/14/indian-role-in-sco-brics-and-the-region/>. [Accessed on July 31, 2025]
- Beehner L, Bhattacharji P. (2008). "Shanghai Cooperation Organisation". *Council on Foreign Relations*. April.
- Behuria A. (2015). "India's renewed interest in Chabahar: Need to stay the course". Institute for Defense Studies and Analyses. May 13. <https://idsa.in/issuebrief/>.
- Bhaumik A. (2019). "Iran goes to Pakistan with the Chabahar link plan". *Deccan Herald*. May 27. <https://www.deccanherald.com/national/iran-goes-to-pakistan-with-chabahar-linkplan-736492.html>.
- Blank S. (2003). "India's rising profile in Central Asia". *Comparative Strategy*. 22(2): 139-157. <http://dx.doi.org/10.1080/01495930390202607>.
- Boland J. (2011). "Ten Years of the Shanghai Cooperation Organization: A Lost Decade? A Partner for the U.S.?" Washington, DC: 21st Century Defense Initiative. June 20: 1-49. <https://www.brookings.edu/articles/ten-years-of-the-shanghai-cooperation-organization-a-lost-decade-a-partner-for-the-united-states/>.
- Brummer M. (2007). "The Shanghai Cooperation Organisation and Iran: A power-full union". *International Affairs*. 60(2): 185-198.
- Busvine D, Verma N. (2016). "India, Iran Agree to clear \$6.4 Billion in oil payments via European banks: Minister". *Reuters*. May 6. <https://www.reuters.com/article/us-india-iran-payment-idUSKCN0XX0P5>.
- Charter of the Shanghai Cooperation Organization. (2002). 7 June. <https://cis-legislation.com/document.fwx?rgn=3851>. [in English]
- Daily News Egypt. "SCO Partnership Supports Egypt's Modernization, Regional Stability: Chinese Ambassador." Last updated July 20, 2025. Accessed July 31, 2025. <https://www.dailynewsegypt.com/2025/07/20/sco-partnership-supports-egypts-modernization-regional-stability-chinese-ambassador/>.
- Dawn. (2025). "Dar Slams Israel, US attacks against SCO member". July 16. https://epaper.dawn.com/DetailNews.php?StoryText=16_07_2025_001_004. [Accessed on July 31, 2025]
- Duran B. (2022). "Shanghai summit, Türkiye and the rise of Non-Western world". *Daily Sabah*. September 13. <https://www.dailysabah.com/opinion/columns/shanghai-summit-turkiye-and-the-rise-of-non-western-world>. [Accessed on July 31, 2025]
- Embassy of India. (2025). "India-Iran relations". Tehran. https://www.indianembassytehran.gov.in/eoithr_pages/MTY%2C. [Accessed July 31, 2025]

- Eurasian Research Institute. (2025). "The global repercussions of Trump's future policy: Exploring effects on Central Asia and key global players". <https://www.eurasian-research.org/publication/the-global-repercussions-of-trumps-future-policy-exploring-effects-on-central-asia-and-key-global-players/>.
- Fair C. (2004). "Indo-Iranian relations: Prospects for bilateral cooperation post 9/11". *Wilson Center: Asia Program Special Report*. no. 120: 6-14.
- Farwa U. (2024). "India's 'Strategic Autonomy': A Reality Check". Khurram Abbas (ed.). Islamabad: Institute of Strategic Studies. https://issi.org.pk/wp-content/uploads/2024/01/IB_Ume-Farwa_Jan_31_2024.pdf.
- Farzanegan MR. (2025). "The necessity of international negotiations to contain the consequences of sanctions and achieve economic prosperity". *Countries Studies*. 3(4): 171-174. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.394015.1278>.
- Gill B, Freeman C. (2024). "What does further expansion mean for the Shanghai Cooperation Organization?". *United States Institute of Peace*. May 30. <https://www.usip.org/publications/2024/05/what-does-further-expansion-mean-shanghai-cooperation-organization>. [Accessed on July 31, 2025]
- Hafeez M. (2019). "India-Iran relations: Challenges and Opportunities". *Strategic Studies*. 39(3): 22-36. <https://www.jstor.org/stable/48544308>.
- Hashmi S. (2017). "What's in SCO for India?". *Rediff.com*. May 29 <http://www.rediff.com/news/column/whats-in-sco-for-india/20170529.htm>.
- The Hindu*. (2021). "What does Shanghai Cooperation Organisation membership mean for India?". December 03. <https://www.thehindu.com/news/national/what-does-shanghai-cooperation-organisation-membership-mean-for-india/article62067951.ece>.
- Hussain M. "Indo-Iranian relations during the Cold War". *Strategic Analysis*. November 12. 36(6): 859-870. <http://dx.doi.org/10.1080/09700161.2012.728868>.
- InfoSCO. (2015). "SCO Energy Club: structure ready for international interaction, not Shanghai Six's elite club". March 26. <http://infoshos.ru/en/?idn=13913>.
- The International Institute for Strategic Studies. (2018). "The Evolution of the Shanghai Cooperation Organisation". June. <https://www.iiss.org/publications/strategic-comments/2018/shanghai-cooperation-organisation>.
- Jahanbegloo R. (2016). "Renewing the India-Iran relationship". *Indian Express*. June 2. <http://indianexpress.com/article/opinion/columns/india-iran-chababar-port-deal-narendramodi-2829537/>.
- Khan MI, Ullah K, Jamal F. (2023). "SCO and the US: Convergence and Divergence of interests". *Global International Relations Review*. 6(2). [http://dx.doi.org/10.31703/girr.2023\(VI-II\).04](http://dx.doi.org/10.31703/girr.2023(VI-II).04).
- Kozhanov N. (2018). *Iran's Strategic Thinking: The Evolution of Iran's Foreign Policy 1979–2018*. Berlin: Gerlach Press.
- Kumar S. (2016). "The significance of the SCO's full membership for India". *Centre for Land and Warfare Studies*. July 12. <https://archive.claws.in/1606/the-significance-of-the-scos-full-membership-for-india-sumit-kumar.html>.
- Lok Sabha. (2025). "The Shanghai Cooperation organisation (SCO) and India". https://loksabhadocs.nic.in/Refinput/New_Reference_Notes/English/The_Shanghai_Cooperation_organisation.pdf.
- Ministry of External Affairs of India. (2003). "The New Delhi Declaration 2003". January 25.
- Mukhtar I. (2016). "Iran Has 'No Hand' in RAW's Chababar Network". *The Nation*. April 3. <https://nation.com.pk/03-Apr-2016/iran-has-no-hand-in-raw-s-chababar-network>.
- Norling N, Swanström N. (2007). "The Shanghai Cooperation Organization, trade, and the roles of Iran, India and Pakistan". *Central Asian Survey*. 26(3): 429-444. <https://doi.org/10.1080/02634930701702779>.
- Norov V. (2024). "Shanghai Cooperation Organisation is playing an important role in

- ensuring regional security and stability.” *China Daily*. January 25. <https://eng.sectesco.org/20240125/1244550.html>.
- Osiewicz P. (2021). *Foreign Policy of Islamic Republic of Iran: Between Ideology and Pragmatism*. New York: Routledge.
- Padmanabhan K. (2025). “Israel-Iran conflict: India distances itself from SCO statement critical of Tel Aviv”. *The Print*. June 14. <https://theprint.in/diplomacy/israel-iran-conflict-india-distances-itself-from-sco-statement-critical-of-tel-aviv/2658112/>.
- Republic of Türkiye Ministry of Foreign Affairs. (2022). “Shanghai Cooperation Organization”. <https://www.mfa.gov.tr/shanghai-cooperation-organization.en.mfa>. [Accessed on July 31, 2025]
- Roy MS. (2016). “Modi’s visit to Iran: Will it provide a new momentum to bilateral relations?”. *Institute for Defense Studies and Analyses*. May 16. https://www.idsa.in/%20issue%20brief/modi-visit-to-iran_msroy_160516.
- Shanghai Cooperation Organization. (2025). “Statement of the Shanghai Cooperation Organization Regarding Military Strikes on the Territory of the Islamic Republic of Iran”. June 14. <https://eng.sectesco.org/20250614/1861649.html>. [Accessed on July 31, 2025]
- (2017). “General information”. January 9. <https://eng.sectesco.org/20170109/192193.html>.
- State Information Service. (2023). *Egypt and the Shanghai Cooperation Organization*. January 13. <https://www.sis.gov.eg/Story/174984/Egypt-and-the-Shanghai-Cooperation-Organization>. [Accessed on July 31, 2025]
- Taneja K. (2016). “The reality of India-Iran ties”. *The Diplomat*. July 11. <http://thediplomat.com/2016/07/the-reality-of-india-iran-ties/>.
- Think Tank European Parliament. (2022). “EU strategic autonomy 2013-2023: From concept to capacity”. July 8. [https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI\(2022\)733589](https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI(2022)733589).
- Turkish Minute*. (2022). “Can Turkey be a member of NATO and the SCO at the same time?”. August 19. <https://www.turkishminute.com/2022/08/19/mber-of-nato-and-the-sco-at-the-same-time/>. [Accessed on July 30, 2025]
- Upadhyay B. (2016). “India’s SCO membership: Prospects & Constraints”. *Indian Council of World Affairs*. August 12. https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=603&lid=545.
- Uygur H. (2025). “The meaning of Iran’s membership in the Shanghai cooperation organisation”. *Iran Center*. 30 July. <https://iramcenter.org/en/the-meaning-of-irans-membership-in-the-shanghai-cooperation-organisation-en-2398>.
- Vakil S. (2006). “Iran: Balancing East against West”. *The Washington Quarterly*. 29(4): 51-65. https://ciaotest.cc.columbia.edu/olj/twq/aut2006/06autumn_vakil.pdf.
- Vatanka A. (2014). “Iran-Pakistan: Will Border Tensions Boil Over?”. *BBC News*. October 24. <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-29752647>.
- Wani, Suadat Hussain, Mohd Afzal Mir, and Imtiyaz Ahmad Shah. “India–Iran Trade Relations Under the Shadow of USA Sanctions.” *Foreign Trade Review* 54, no. 4 (2019): 399-407.
- Wastnidge E. (2016). *Diplomacy and Reform in Iran: Foreign Policy under Khatami*. London: I.B. Tauris.
- White, A. (2005). “Guiding the ‘Near Abroad’: Russia and the SCO”. *China and Eurasia Forum Quarterly*. July: 29-33.
- Workman D. (2018). “Crude oil imports by country”. *World’s Top Exports*. May 11. <http://www.worldstopexports.com/crude-oil-imports-by-country/>.